

# درک رادیو

نویسنده: اندرو کرایسل  
مترجم: معصومه عصام  
ناشر: دفتر پژوهش‌های رادیو  
سال انتشار: چاپ اول: ۱۳۸۱  
و چاپ دوم: ۱۳۸۷  
تعداد صفحات: ۳۹۸



❖ تدوین: دکتر اعظم راودراد  
دانشیار گروه ارتباطات دانشگاه تهران

تاریخچه‌های به معنای مصطلح نیست، بلکه تأثیر متقابل رادیو و شرایط و رویدادهای اجتماعی، سیاسی و پیشرفت‌های تکنولوژیک و نیز رابطه رادیو با مخاطبان خود در دوره‌های مختلف را نیز پوشش می‌دهد. پس از فصل تاریخچه، کرایسل فصل مهمی را تحت عنوان «علائم و رمزهای رادیویی» عرضه می‌کند که در آن به شیوایی (که البته می‌توان نشان‌دهنده شیوایی ترجمه سرکار خانم عصام هم باشد) این علائم و رمزها را توضیح داده و قابلیت‌های رادیو را براساس آنها تشریح می‌کند. قسمت اول و نظری این کتاب با فصل فوق پایان می‌پذیرد.

در بخش دوم کتاب که به تحلیل‌های عملی از برنامه‌های رادیویی اختصاص دارد، انواع برنامه‌ها تحت عناوین «رادیوی موسیقی و گفت‌و شنودی»، «اخبار و وقایع روز»، «پخش برنامه‌های خارج از استودیو»، «نمایش‌های رادیویی»، «کمدی، طنز و سرگرمی» و «برنامه‌های تلفنی رادیو»، عملاً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. نکته مثبتی که در مورد این قسمت کتاب وجود دارد، توضیحات نظری و تئوریک، ویژه هر نوع و قالب برنامه‌های خاص است که قبل از شروع به تحلیل برنامه‌های نمونه ارائه شده است. این توضیحات منجر به فهم بهتر تحلیل‌ها و نیز تواناسازی خواننده به انجام تحلیل‌های مشابه می‌شود. ضمن اینکه در پایان هر فصل پیشنهادهایی برای انجام کار عملی در همان موضوع ارائه شده است.

در فصل پایانی نیز کرایسل با اشاره به مبحث مخاطبان رادیو، وارد بحث‌های نظری‌تر رابطه متقابل رسانه و مخاطب شده و برخی الگوهای مطرح ارتباطی و نظریه‌های مرتبط چون اثرات رسانه‌ها و استفاده و خشنودی را به اجمال به بحث می‌گذارد. در این فصل به تحقیقات مختلفی که در حوزه مخاطب و رادیو انجام شده نیز اشاره می‌شود. ترجمه کتاب نیز همان‌طور که گفته شد بسیار سلیس و روان است و کتاب را خواندنی‌تر می‌کند.

در مجموع اگر به دنبال فهم مسائل نظری در حوزه رادیو هستید، خواندن

تا قبل از اینکه اداره کل پژوهش‌های رادیو اقدام به چاپ کتاب‌های ترجمه‌ای و تألیفی متعددی درباره رادیو بکند، تعداد کتاب‌هایی که منحصرأ موضوع بحثشان رادیو بود از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کرد. دو کتاب **رادیو و ارتباط توسعه‌ای** (خاتون‌آبادی، ۱۳۷۴) و **نویسندگی برای رادیو و تلویزیون** (خزائلی، ۱۳۷۵)، مرتبط‌ترین کتاب‌های رادیویی تا قبل از دهه ۸۰ بودند. ضمن اینکه مطالب مربوط به رادیو در لابه‌لای مطالب متنوع رسانه‌های دیگر در کتاب‌های مبانی و تاریخچه‌ای ارتباطات قابل دستیابی بود. از آغاز دهه ۸۰، کتاب‌های زیادی توسط اداره کل پژوهش‌های رادیو در هر دو قالب تألیفی و ترجمه‌ای چاپ شد که منحصرأ درباره رادیو بود.

کتاب‌های فوق‌الذکر در موضوع مشخصی از برنامه‌سازی رادیویی منحصر می‌شدند. موضوعاتی مثل **اصول تهیه برنامه‌های رادیویی** (برخوردار، ۱۳۸۱)، **نوشتن برای رادیو** (قاضی‌زاده، ۱۳۸۰)، **اصول نمایشنامه‌نویسی رادیویی**، (معین‌افشار، ۱۳۸۱)، **راهبردهای برنامه‌سازی برای رادیو در آینده** (مک‌فارلند، ۱۳۸۱)، **رادیو جامعه ماهاولی** (والبوئنا، ۱۳۸۲)، و **برنامه‌سازی خلاق در رادیو** (کونینسی، ۱۳۸۱) در این کتاب‌ها غلبه داشتند. در این میان معدودی کتاب یافت می‌شد که درباره رادیو به طور کلی صحبت کرده و شامل مباحث نظری و عملی [توأمان] باشند. بهترین این کتاب‌ها در حوزه تئوریک و نیز عملی رادیو، کتاب **درک رادیو** نوشته اندرو کرایسل است. این کتاب با مباحث نظری مربوط به توضیح نسبت رادیو با رسانه‌های دیگر و وجوه اشتراک و تفاوت آن و نیز بیان ویژگی‌های منحصربه‌فرد رادیو که قابلیت‌ها و توانایی‌های رسانه‌های ویژه‌ای بدان اعطا می‌کند شروع شده است. در فصل مربوط به تاریخچه رادیو، اگر چه مرجع نویسنده کشور انگلستان است، اما تاریخچه به‌گونه‌ای بیان شده است که کلیت وضع تحول رادیو در کشورهای غربی را به خوبی منعکس می‌کند. ضمن اینکه بیان آن صرفاً

فصل اول و سوم کتاب می‌تواند بسیار مفید باشد، اگر به دنبال فراگیری چگونگی تحلیل برنامه‌های رادیویی هستید، خواندن قسمت دوم کتاب که حاوی مثال‌های تحلیلی است بسیار کمک می‌کند. اگر می‌خواهید رادیو را به عنوان یک رسانه به خوبی بشناسید خواندن کل کتاب توصیه می‌شود. نکته دیگر اینکه همان‌طور که گفته شد، کتاب‌های رادیویی در مورد قالب‌های خاص برنامه‌سازی به همت اداره کل پژوهش‌های رادیو زیاد چاپ شده است. شاید برخی از مطالب کتاب کرایسل را در کتاب‌های دیگر نیز بتوان یافت. اما اطمینان دارم که عمده مباحث تئوریک کتاب و نیز بخش مربوط به کم‌دی، طنز و سرگرمی را در هیچ کتاب فارسی دیگری به این روشنی و تفصیل نمی‌توان یافت.

مهم‌ترین مباحث بخش نظری کتاب شامل توضیح مفصل دو ویژگی اصلی رادیو یعنی انعطاف‌پذیری و جاذبه قدرت تخیل؛ رمزها و کدهای رادیویی مانند کلام، صدا، موسیقی و سکوت، نوع ویژه رمزگذاری و رمزگشایی زبان رادیویی و اثرات همه اینها بر برنامه‌سازی رادیویی می‌شود. به عنوان مثال کرایسل توضیح می‌دهد که چگونه ویژگی انعطاف‌پذیری رادیو به معنای امکان استفاده از رادیو حین انجام کارهای دیگر و نیز در بیرون از فضای داخلی است، لزوم تغییر در برنامه‌سازی رادیویی از برنامه‌های سنگین و جنگ مانند را به برنامه‌های کوتاه، قطعه‌ای و سبک که با زبانی شفاف و صریح با قابلیت رمزگشایی آنی بیان می‌شوند، ایجاد کرد. چنین برنامه‌هایی را به خوبی می‌توان به عنوان مثال در مدت کوتاه سوار شدن به تاکسی برای رسیدن به مقصد به طور کامل گوش فرا داد. یا می‌توان به هنگام قدم‌زدن در پارک و خیابان، با توجه به سروصدای اطراف کماکان شنید و بدون نیاز به تمرکز زیاد آنها را دریافت. به‌وجود آمدن مخاطب اتفاقی برای رادیو، یعنی مخاطبی که نه عامدانه و آگاهانه، بلکه به طور ناخواسته و اتفاقی در معرض پیام رادیویی قرار می‌گیرد، نیز از دیگر دلایلی است که به گسترش این نوع از برنامه‌های کوتاه و سبک منجر شده است.

نکته قابل طرح دیگر در این زمینه توجه به رادیو به عنوان رسانه‌ای انتخابی است. رادیو به نظر کرایسل یک رسانه ثانویه است؛ صفتی که پس از ظهور تلویزیون و خارج شدن رادیو از رتبه اول رسانه‌های ارتباطی از نظر تعداد مخاطب بدان اطلاق می‌شود. در عوض رسانه ثانویه یک رسانه انتخابی است. اگر مخاطبی با وجود در دسترس بودن رسانه‌های دیگر از رادیو استفاده کند، این رسانه برای وی به رسانه‌ای انتخابی تبدیل شده و رابطه تأثیرگذارتری با مخاطب برقرار می‌کند.

بحث دیگر کتاب درباره جاذبه قدرت تخیل رادیوست که به شیوه‌ای بسیار جالب و خواندنی توضیح داده شده و نه تنها نبود تصویر برای رادیو به عنوان نقطه ضعف این رسانه در مقایسه با تلویزیون تلقی نشده است؛ بلکه مسائل زیر به عنوان آثار و نتایج مثبت فقدان تصویر در رادیو توضیح داده شده است: اول اینکه مخاطب ناخودآگاه با ساختن تصویر ذهنی متناسب، به هنگام گوش دادن به برنامه‌ها این فقدان را جبران می‌کند. دوم اینکه تصویر ذهنی هر کس با دیگری متفاوت بوده و برای هر کس بهترین تصویر موجود خواهد بود؛ چون برخاسته از حافظه و تجربه تصویری وی است. سوم اینکه به دلیل تفاوت در تصاویر ذهنی، نوع ارتباط مخاطب با

رادیو بیشتر شخصی می‌شود تا جمعی و این بر تأثیرگذاری آن می‌افزاید. چهارم اینکه ساخت برنامه‌های نمایشی در رادیو به دلیل همین قابلیت بسیار کم هزینه‌تر، سریع‌تر و در صورت همراهی با یک نوشته و اجرای خوب، مؤثرتر خواهد بود، چرا که تمامی صحنه، دکور، نورپردازی، لباس، میزانشن و حرکات بازیگران در تخیل مخاطب شکل می‌گیرند. رادیو برای ایجاد چنین تصاویری در ذهن مخاطب تنها به انواع صدا متکی است. همچنین به نویسندگانی که با شناخت قابلیت‌ها و ویژگی‌های رادیو و رمزهای رادیویی، با ارائه توصیفات ضروری، امکان تصویرسازی هرچه بهتر و بنابراین ارتباط بهتر با نمایش رادیویی را برای مخاطب به وجود آورند.

در فصل مربوط به کم‌دی، طنز و سرگرمی، نویسنده به دنیای طنز رادیویی اشاره می‌کند: نوع اول را به خاطر برخی شباهت‌هایش به تئاتر، با تسامح تئاتر سنتی می‌نامد که مشخصه آن تأکید بر دیالوگ و نیز گفتن لطیفه و خواندن آواز است. اینها چیزهایی است که در رادیو نیز به راحتی قابل تولید است. نوع دوم که مهم‌تر است یک نوع طنز مخصوص رادیوست که از ویژگی منحصر به فرد این رسانه یعنی کوربودن و تخیل‌انگیزی استفاده می‌کند. در رابطه با نوع دوم کرایسل می‌گوید: «این شکل جدیدتر کم‌دی که در اصل رادیویی است، براساس این حقیقت استوار است که کلمه‌ها و چیزها در رادیو عین هم‌اند، زیرا دنیای متعلق به آنها، به سرعت و به محض حرف‌زدن از آنها در ذهن شنونده خلق می‌شود.»

این جمله‌ای کلیدی درباره طنز رادیویی است که در این فصل به خوبی و با آوردن مثال توضیح داده شده است.

نکته دیگر درباره نوع دوم طنز رادیویی این است که «در نوع قدیمی‌تر ژانر تئاتر کم‌دی، اصل بقا و دوام تصویر، حاکم بود؛ یعنی تا موقعی که صحنه تغییر نمی‌کرد، به همان شکل باقی بود. اما بر علائم صوتی اصل تغییر حاکم است؛ یعنی اگر صدا مجدداً شنیده نشود از ذهن محو می‌شود... از این رو ناپایداری و گذرابودن علائم رادیویی به این معنی است که رادیو نه تنها می‌تواند سرعت لازم را داشته باشد، بلکه قادر است به آسانی و بی‌درپی در صحنه، تغییر ایجاد کند». همین امکان سرعت تغییرات صحنه در رادیو که آن را به فیلم شبیه می‌سازد، توانایی زیادی برای نوع دوم طنز رادیویی به آن اعطا می‌کند، چرا که یکی از نکات مهم در طنز سرعت انتقال از مضمونی به مضمون دیگر است که در نوع قبلی تنها از طریق دیالوگ ممکن می‌شد.

نکات ارزشمند دیگری نیز در همین فصل درباره نوع دوم طنزهای مخصوص رادیو توضیح داده شده است که فرصت بحث آن در این مختصر نیست. اما ذکر یک نمونه از چنین طنزهایی خالی از لطف نیست:

«دکتر لاندونگل: ساکت، هیچ کدام حرکت نکنید، وگرنه به طرفتون شلیک می‌کنم.

سی‌گون: احمق جان، قوطی کنسرو صدف که شلیک و شوت نداره، باشه زود پرت کن پایین.

دکتر لاندونگل: نه‌خیر، اونو شوت کنم، اونوقت بعد خودم اینجا از گرسنگی بمیرم! نه‌خیر هیچ‌وقت.»

سپس کرایسل توضیح می‌دهد که «در این کم‌دی مفاهیم ساخته شده

با سرعتی همسان می‌آیند و می‌روند؛ زیرا در دنیای کم‌دی هیچ چیز سر جای خودش قرار ندارد، حتی جسم فیزیکی انسان». این فصل با مثال‌های متنوعی از طنز مخصوص رادیویی کامل شده است.

کتاب **درک رادیو** از هنگام چاپ‌شدن تاکنون همواره به‌عنوان یکی از منابع مهم و تأثیرگذار رسانه رادیو در آموزش و پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. کمتر مقاله تحقیقی در حوزه رادیو، به‌خصوص مقالات ایرانی این حوزه را در این زمان می‌توان یافت که به این کتاب ارجاع نداده باشند.

اما اگر کاستی‌های کتاب موردنظر باشد، می‌توان گفت کتاب انواع برنامه‌های رادیویی را به‌طور کامل پوشش نداده و تنها قالب‌های برنامه‌ای ذکر شده در بالا را در بر می‌گیرد. این کتاب قابلیت آن را داشته و دارد که با اضافه‌نمودن انواع دیگر قالب‌های برنامه‌ای؛ مثل برنامه‌های ترکیبی، میزگردهای رادیویی، مسابقات رادیویی، برنامه‌های گفت‌وگویی و علمی در حوزه‌های مختلف، برنامه‌های دینی و رادیو و مانند آن، و نیز با اضافه‌نمودن مطالب نظری همچون جامعه‌شناسی رادیو و سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای در رادیو، مطالب خود را تکمیل کرده و به کتاب مرجعی در این حوزه تبدیل شود.

از نظر ترجمه نیز می‌توان گفت، اگر چه کار ترجمه به خوبی انجام شده و متن به سادگی و سهولت قابل مطالعه و فهم است، اما مثال‌هایی که در آن آمده به دلیل آشنانبودن خواننده ایرانی با آنها به اندازه مطالب نظری کتاب قابل درک نیست. اگر هر یک از مثال‌های تحلیلی ارائه‌شده در مورد انواع برنامه‌ها، با یک مثال تشریحی از برنامه‌های رادیویی ایران تکمیل شود، فهم خواننده بیشتر شده و نیز بعد آموزشی این کار افزایش می‌یابد. شاید بتوان پیشنهاد کرد که کتاب بار دیگر در دستور چاپ قرار گرفته و این بار با مثال‌هایی مشابه از رادیوی ایران تکمیل شود.

باوجود تمامی برتری‌های یادشده در مورد این کتاب و برخلاف بیشتر کتاب‌های چاپ اداره کل پژوهش‌های رادیو که به چاپ‌های دوم و سوم رسیده‌اند، **درک رادیو** مدت‌هاست که دیگر در بازار نایاب است و البته از همان ابتدا هم به‌عنوان تنها کتاب جامع درباره رادیو در مقایسه با کتاب‌های دیگر موجود، لزوم تجدید چاپ و توزیع آن در سطح دانشگاه‌ها و قرارگرفتن آن در اختیار دانشجویان بسیار احساس می‌شود.

نکته دیگر اینکه در رشته ارتباطات دانشگاه تهران درسی با عنوان «مطالعات رادیویی» وجود دارد که منبع اصلی آن همین کتاب است و دانشجویان همواره با مشکل کمبود کتاب برای تهیه و مطالعه مواجه هستند. این در حالی است که برای طرح سؤالات کنکور کارشناسی‌ارشد ارتباطات در موضوع رادیو نیز این کتاب قابلیت‌های فراوانی دارد که فقدان چاپ مجدد آن تمامی این فرصت‌ها را از مؤسسات آموزشی و پژوهشی مرتبط با رادیو خواهد گرفت. حتی توصیه‌ای که در همین نوشته به خوانندگان برای مطالعه کتاب می‌شود، تنها با مراجعه به کتابخانه‌ها قابل اجرا بوده و امکان خرید کتاب از کتاب‌فروشی‌ها وجود ندارد. به نظر می‌رسد اهمیت درک رادیو به اندازه مزایایی که دارد درک نشده و امید که این نوشته ما را به این سمت هدایت کند که درک رادیو را دریابیم!

یک نکته قابل طرح در زمینه ارتباطات، توجه به رادیو به عنوان رسانه‌ای انتخابی است. رادیو به نظر کرایسل یک رسانه ثانویه است؛ صفتی که پس از ظهور تلویزیون و خارج‌شدن رادیو از رتبه اول رسانه‌های ارتباطی از نظر تعداد مخاطب بدان اطلاق می‌شود. در عوض رسانه ثانویه یک رسانه انتخابی است. اگر مخاطبی با وجود در دسترس بودن رسانه‌های دیگر از رادیو استفاده کند، این رسانه برای وی به رسانه‌ای انتخابی تبدیل شده و رابطه تأثیرگذارتری با مخاطب برقرار می‌کند.

